

خواهر با من بگو- فیلمی کوتاه درباره تراژدی زهرا کاظمی

خسرو شمیرانی

از شهروند - تورنتو

چهارشنبه 17 سپتامبر برنامه ای به مناسبت اکران اول فیلم مستند «Sister speak to me» - «خواهر با من بگو» - در محل کتابخانه مرکزی شهر لندن - انتاریو به اجرا در آمد.

این برنامه که در پی کوشش های پیگیر خانم جمیله حسن و آقای فرهنگ جلالی دو هنرمند ساکن لندن به بار نشسته بود شامل نمایش فیلم مستند 10 دقیقه ای «خواهر با من بگو»، معرفی سخنران برنامه، سخنرانی دکتر رضا براهنی، قرائت متن کوتاهی توسط یکی از اعضای شورای هماهنگی کانون اندیشه، گفتگو و حقوق بشر و پرسش و پاسخ با دکتر براهنی بود.

Sister speak to me مستندی است که توسط جمیله حسن و هالر و با همکاری فرهنگ جلالی ساخته شده است. دستمایه این مستند «شب افروزان» (Candle light vigil) بود که توسط «کانون اندیشه، گفتگو و حقوق بشر» در تاریخ 16 جولای برگزار شد. این «شب افروزان» که چند روز پس از اعلام رسمی مرگ زهرا کاظمی در میدان مل لستمن تورنتو برگزار میشد و از سوی نشریه شهروند نیز پشتیبانی میشد، برای بزرگداشت یاد زهرا کاظمی و اعتراض به نقض حقوق انسانی وی شکل گرفته بود. پس از اعلام برنامه، فیلم به نمایش درآمد و با استقبال بیش از ۱۲۰ بیننده روبه رو شد.

سپس پروفیسور Peter Desbarats رئیس سابق انستیتوی روزنامه نگاری دانشگاه وسترن انتاریو به معرفی دکتر رضا براهنی پرداخت. وی از جمله با ارائه آمار و ارقام گفت که کانادا در زمینه آزادی بیان در میان کشورهای گروه ۸ مقام اول و در جهان مقام پنجم را داراست. در حالی که ایالات متحده در مکان پنجم و هفدهم و انگلستان در رده بیست و یکم هستند. او گفت که پایین ترین رتبه در رده بندی به کره شمالی و پس از آن به چین اختصاص یافته است.

وی تاکید کرد که جایگاه کانادا دلیل بر عالی بودن اوضاع نیست و در اینجا نیز باید همواره برای ارتقاء آزادی بیان کوشش کرد.

پیتر دبارا عضو هیأت مدیره «روزنامه نگاران کانادایی برای آزادی بیان» با ارائه بخشهایی از زندگی ادبی و اجتماعی دکتر رضا براهنی به معرفی رئیس سابق انجمن قلم کانادا پرداخت.

سپس دکتر رضا براهنی پشت تریبون قرار گرفت.

دکتر براهنی، که رئیس سابق انجمن قلم کانادا و استاد کرسی ادبیات تبعید در مرکز ادبیات تطبیقی دانشگاه تورنتوست، و خود طعم زندان های سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی ایران را چشیده است، بحث خود را به زندان، شکنجه و اعدامها، در هر دو رژیم، بویژه رژیم جمهوری اسلامی تخصیص داد، و از آنجا که مسئله زهرا کاظمی در اولویت قرار داشت، و فیلم مستند نیز

مربوط به او بود، براهنی ضمن بررسی وضع زنده یاد کاظمی، اهمیت پرونده و موضوع او را در این دانست که او را زن است، ثانیاً او ایرانی است؛ ثالثاً او کانادایی است؛ رابعاً او روزنامه نگار و عکاس است؛ و از همه بالاتر، خامساً، او را جمهوری اسلامی ایران به قتل رسانده است. علاوه بر اینها براهنی به این نکته ظریف اشاره کرد که زهرا کاظمی در این مرحله از سفرش به

خاورمیانه و ایران، قصد داشت ته و توی نهضت دانشجویان و جوانان ایران و علل دستگیری و آزار و اذیت آنان توسط جمهوری اسلامی را دریابد، و مثل هر روزنامه نگار شریفی موضوع را به اطلاع جهانیان برساند. به همین دلیل در برابر در ورودی مخصوص زنان زندان اوین حاضر شد، و ماموران جمهوری اسلامی ایران، او را به بهانه این که عکس گرفتن در اطراف زندان ممنوع است، دستگیر کرده، به درون زندان بردند، و پس از گذشت تقریباً دو هفته، از مرگ او سخن گفتند.

براهنی در ادامه بحث به سه ضلع مثلثی اشاره کرد هم اکنون در حول و



فرهنگ جلالی

جمیله حسن: نیروی نهفته در گردهمایی و شمع افروزی در تورنتو و نداها سر داده شده در آن شب واکنشی را میطلبیدند



جمیله حسن

فرهنگ جلالی: زهرا کاظمی با قرار گرفتن در چهارچوب، نه تنها به مرکز سوژه دهشتناک و خونین خود، بلکه به خود هنر تبدیل شد

حوش پرونده زهرا کاظمی به وجود آمده است. نخستین اینها وزارت اطلاعات است. وزارت اطلاعات اتهام قتل زهرا کاظمی توسط آن وزارتخانه را با دلایل قانع کننده رد کرده، و حتی اشاره کرده است وقتی که چند سال پیش ماموران آن وزارتخانه مرتکب قتل‌هایی شدند که در تاریخ معاصر ایران به قتل‌های زنجیره‌ای شهرت یافت، وزارت اطلاعات از خود شفافیت نشان داد و به این قتلها اعتراف کرد، حالا در مورد این قتلها باید قوه قضاییه جمهوری اسلامی شفافیت نشان دهد، و قاتل‌ها را معرفی کند. در واقع، براهنی اشاره می‌کند که قتل زهرا کاظمی تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی را دچار بحران عمیق کرده است، چرا که گرچه قوه قضاییه برای اجتناب از پذیرفتن جرم ماموران مخفی و آشکار خود در مورد قتل زهرا کاظمی، و نیز تجاوز به او قبل از ارتکاب قتل، دو مامور زن وزارت اطلاعات را قاتلین اصلی زهرا کاظمی معرفی کرده است، اما وزارت اطلاعات با دلایل موجه توپ را دوباره به میدان حریف برگردانده است. اما دعوی بین قوه قضاییه و وزارت اطلاعات، وزارتخانه‌ای که در ذیل مجموعه ریاست جمهور انجام وظیفه می‌کند، قوه مقننه را نیز به طور جدی وارد میدان عمل کرده است. در بررسی پرونده توسط کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، مجلس نیز نظر داده است که قوه قضاییه مسئول قتل زهرا کاظمی است. بر بحران سه نیروی فوق باید بحران مهمتر و کلاسیک‌تری را نیز اضافه کرد. به طور کلی رهبر روحانی جمهوری اسلامی، که توسط روحانیت غیرمنتخب اما دخیل در تصمیم‌گیریها، بر قوه قضاییه که شده، بر روحانیان غیرمنتخب اما دخیل در تصمیم‌گیریها، بر قوه قضاییه که باید مستقل از نفوذ دیگران به کار قضاوت بپردازد، و بر نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی، و نیروهای غیررسمی، ریاست مطلقه دارد، و به طور کلی جز چوب لای چرخ گذاشتن در کار رئیس جمهوری منتخب کشور، کابینه او، و نیز مجلس شورای اسلامی منتخب مردم، هیچ کار دیگری نمی‌کند. یعنی بحرانی عمیق در جمهوری اسلامی بین رهبری غیرمنتخب مردم، و رئیس جمهوری که به هر طریق، به نوعی منتخب مردم است و مجلس شورای اسلامی منتخب مردم، در جریان است. و زهرا کاظمی، و مرگ او این بحران را به اوج رسانده است.

براهنی به مشخصات اصلی زندان اوین پرداخت، و گفت جمهوری اسلامی دوبار به صورت متمرکز دست به کشتار جمعی زده است. و این کشتارها جدا از اعدام تعدادی از افسران ارشد شاه، عمال عالی‌رتبه سلطنت بوده‌اند. براهنی سال 81-82 میلادی و سال 88 میلادی را دو دوره اصلی این کشتارها تعیین کرد. براهنی اشاره کرد که در دوران کشتار اول در زندان اوین زندانی بوده، صدای تیرباران‌ها را شنیده، حتی یک بار - بی آن که هنوز هم دقیقاً بداند که عمد بوده یا سهو، در برابر جوخه اعدام قرار داده شده است، تا این که بعداً معلوم شده است که او را به جای یکی دیگر به قتلگاه برده بوده‌اند.

براهنی به تفصیل، درباره داخل زندان اوین سخن گفت، زندانی که در آن سرنوشت زهرا کاظمی به پایان مصیبت بار خود نزدیک شده است. براهنی گفت این زندان مخوف که در زمان شاه ساخته شد، مثل خیلی مصائب و بدبختی‌های دیگر، و جاهای خوفناک، به جمهوری اسلامی ایران به ارث رسید. براهنی سازمان‌های مختلف زندان را برشمرد، و اشاره کرد که یک بار که بازجویی تا دیروقت ادامه یافته بود، و ماشین برای رساندن او و زندانی دیگر از بخش بازجویی‌ها و دادگاه‌ها به محل اصلی زندانها و سلولها نبود، لاجوردی دستور داد که او و یک زندانی دیگر را پیاده به سلولهایشان ببرند. و آن شب استثنائاً، به دلیل این که فقط یک چشم بند در اختیار ماموران بود، او را بدون چشم بند به راه انداختند. از آن بالا شهر تهران به زیبایی تمام، با همه چراغ‌هایش در سکوت تمام در زیر پای او بود. در پایان براهنی اشاره کرد، فاجعه این است که زهرا کاظمی را به این دلیل کشته‌اند که او زنی ایرانی است. اگر از ابتدا میدانستند کاندایی است، شاید او را نمی‌کشتند. و خود این هم بر ابعاد وضع خوفناک کسانی که به هر دلیل با جمهوری اسلامی درگیری پیدا می‌کنند، بعد دیگری می‌افزاید. براهنی در پایان به قتل‌های زنجیره‌ای نیز اشاره کرد و گفت، زهرا کاظمی را



دکتر براهنی

رضا براهنی: فاجعه این است که زهرا کاظمی را به این دلیل کشته‌اند که او زنی ایرانیست اگر از ابتدا میدانستند کاندایی است، شاید او را نمی‌کشتند



پروفسور پیتر دیبای

به این دلیل کشته اند که میخواست بفهمد چرا جوانان ایران به زندان افتاده اند، و خانواده های آنان در چه وضعی به سر میبرند. در مورد قتل های زنجیره ای نیز دکتر ناصر زرافشان، نویسنده و مترجم برجسته، و وکیل دعاوی خانواده های مختاری و پوینده، به این علت در زندان اوین زندانی شده که میخواست ته و توی قضیه قتل های زنجیره ای را درآورد و زندانی شدن او در واقع فوز بالا قوزی است بر سلسله فجایعی که در قوه قضاییه، و در زندان های ایران جریان دارد.

در پایان براهنی به سئوالات حاضران در جلسه پاسخ گفت.

پس از دکتر براهنی یکی از اعضای شورای هماهنگی کانون اندیشه گفتگو و حقوق بشر، متن کوتاهی را قرائت کرد. او ضمن تشکر از حضار و سازمان دهندگان برنامه به اهمیت پرونده قتل زهرا کاظمی اشاره کرد و گفت: پیگیری این پرونده از دو دیدگاه برای ما حائز اهمیت است اول این که: تلاش ما بر آن است تا عدالت در مورد این پرونده به اجرا درآید و دوم این که این پرونده اکنون جنبه نمادین برای تمام آن زندانیان و قربانیانی پیدا کرده است که توجهی را به خود جلب نمیکنند و پشتیبان خاصی ندارند.

در پایان فرهنگ جلالی ضمن تشکر از:
- جمیله حسن و تاپسون هالر برای تولید فیلم
- «شهروند»، «کتابخانه عمومی لندن»، «خبرنگاران کانادایی برای آزادی بیان»

- کانون اندیشه، گفتگو و حقوق بشر و نماینده آنها در برنامه
- خبرنگاران در تبعید و مرتضی عبدالعلیان نماینده آنها در برنامه
- حضار

- پروفیسور پیتر دبارا
- دکتر رضا براهنی میهمان ویژه و سخنران اصلی مراسم،
گفت: میگویند که آخرین اثر هر هنرمند شاهکار اوست. تا چه حد این سخن به حقیقت نزدیک است نمیدانم. اما هرگاه وظیفه یک هنرمند و به طور مشخص یک عکاس خبرنگار بیان واقعیات از طریق ضبط و ارائه صحیح و بی دخل و تصرف آنها باشد، عمیقاً معتقدم که زهرا کاظمی با مرگ خود به خالصانه ترین شکلی شاهکار نهایی خود را خلق کرد. او با قدم نهادن در این سوی دوربین نه تنها به مرکز سوژه دهشتناک و خونین خود، بلکه به خود هنر تبدیل گشت.

در حاشیه این برنامه با برخی از دست اندرکاران و شرکت کنندگان گفتگوهایی داشتم:
جمیله حسن درباره این مستند کوتاه میگوید:
از بزرگداشت زهرا کاظمی که قرار بود با افروختن شمع در تورنتو برگزار شود مطلع شدیم. همراه با فرهنگ [جلالی] راهی تورنتو شدیم، هدف ما در آن لحظه نه تهیه فیلم بلکه نشان دادن پشتیبانی خود از این مراسم با شرکت کردنمان در آن بود.
یکی از نکات مهم درباره این فیلم نیز همین است که دوربین ما از نگاه یک شرکت کننده و نه یک هنرمند و فیلمبردار به مراسم مینگرد.
نیروی نهفته در آن شب، بزرگ و نافذ بود. در راه بازگشت تصاویر اخذ شده را مشاهده میکردیم. این نیرو و ندهای قدرتمند سر داده شده در آن روز واکنشی را میطلبیدند. تصمیم گرفتیم تا سهم خود را ادا کنیم.
در ضمن تا آنجا که میدانم این اولین برنامه «شمع افروزان» (Candle light vigil) در تورنتو و کانادا بوده است.
از وی درباره بازتاب بین المللی اثر هنری اش پرسیدم:
- ما تقاضاهای جدی از آلمان و ایالات متحده دریافت کرده ایم. این فیلم در چهارچوب برنامه های ویژه در مکانهای مختلف از جمله در تاریخ ۹ اکتبر در تورنتو به نمایش در خواهد آمد.

در برنامه ۹ اکتبر توسط «International Network Women's» جایزه ای به زهرا کاظمی اهدا میشود که استفان هاشمی آن را به نیابت از مادر زنده

یادش تحویل خواهد گرفت.

برای ما مهم این است که این فیلم به نحوی نمایش داده شود که حتی المقدور افراد زیادی بتوانند آن را مشاهده کنند. یکی از دلایلی که سبب شد فیلم را در قالب ۱۰ دقیقه بگنجانیم نیز همین هدف، یعنی جلب حداکثر بیننده بوده است.

جمیل حسن درباره اکران اول فیلم میگوید: در اینجا میخواهم از رضا براهنی، نماینده کانون اندیشه، گفتگو و حقوق بشر و همچنین از [MORY]مرتضی عبدالعلیان] که از طرف «خبرنگاران در تبعید» در اینجا حضور داشت تشکر کنم. وی می افزاید: «Sister speak to me» اکران شد، گرچه کوتاه بود اما حاوی اطلاعات زیاد و مهمی بود. فیلم خلاصه ای از واقعه را ارائه میدهد و شرکت وسیع و موثر جامعه ایرانی را به نمایش میگذارد.

از او میپرسم آیا تقاضاهای تجاری نسبت به فیلم وجود دارد؟ وی در جواب میگوید: خود این فیلم هیچگونه استفاده تجاری نخواهد داشت در ضمن CBC از ما خواسته است تا بتواند از مواد خام فیلم برای تهیه فیلم مستندی درباره زندگی زهرا کاظمی استفاده کند.

وی درباره محتوای فیلم میگوید: این قطعه مستند عنوان خود را از شعر قدرتمند رضا براهنی میگیرد. همان سروده ای که به گونه ای نیرومند توسط خود وی در آن گردهمایی اولیه در تورنتو ارائه شد. رضا براهنی در آن شب به نکات بسیاری در رابطه با موضوع اشاره کرد. اما ما تصمیم گرفتیم آن شعر را در مرکز فیلم قرار دهیم.

وی در پایان میگوید: تصور غالب از فیلم مستند ساختار مشخص و زمان طولانی آن است، ما در اینجا سعی کردیم در زمانی کوتاه و با تکیه بر تصویر «خواهر» برگرفته از «خواهر با من بگو» اطلاعات و احساسات موجود در گردهمایی و شمع افروزی در تورنتو را منتقل کنیم.

از فرهنگ جلالی درباره خودش و همچنین برنامه اکران فیلم میپرسم. فرهنگ جلالی پس از معرفی خود به عنوان هنرمند مجسمه ساز و نقاشی که در وسترن انتاریو تحصیل کرده است، میگوید: غالباً حقوق بشر را موضوع فعالیت‌های هنری خودم قرار میدهم.

پس از شرکت و فیلمبرداری از مراسم «شمع افروزان» 16 جولای تصمیم گرفتیم تا این برنامه را به عنوان گوشه ای از فعالیت‌های جامعه ایرانی ساکن تورنتو در رابطه با پرونده خانم کاظمی منعکس کنیم، و از آنجا به کار تهیه این فیلم دست زدیم.

با توجه به ترکیب محافظه کار شهر لندن و شرکت حدود 120 نفر در این مراسم آن را موفق ارزیابی میکنم، بویژه آن که واکنش‌ها عموماً مثبت بود. وی درباره ترکیب جمعیتی میگوید: غالب شرکت کنندگان غیرایرانی و بخش بزرگی از آنها دانشجویان وسترن انتاریو بودند.

- ریکاردو لانکو عکاس 33 ساله آرژانتینی ساکن لندن در مورد فیلم میگوید: استراتژی دوربین کاملاً با اکشن (Action) منطبق بود و من در تمام لحظات فیلم خود را در محل حس میکردم.

- سیلویا 30 ساله، همچنین آرژانتینی و ساکن لندن اضافه میکند: من از آمریکای جنوبی هستم و اطلاعات زیادی درباره خاورمیانه ندارم اما سخنرانیها و فیلم مجموعه جالب و آموزنده ای بودند. الان که در کانادا و در يك جامعه چند ملیتی (Multi Cultural) زندگی میکنیم، اهمیت دارد که درباره یکدیگر بدانیم و یاد بگیریم فراموش نکنیم که وجوه اشتراک بسیاری بین شما در خاورمیانه و ما در آمریکای جنوبی وجود دارد.

ترجمه فارسی شعر رضا براهنی از انگلیسی

خواهر!

به من بگو از واژه‌های وقتی ستاره‌ها نمی‌درخشند

به من بگو
از واژه‌های
وقتی ستاره‌ها
نمی‌درخشند

خواهر!
به من
بگو
از واژه
های
وقتی
ستاره‌ها
نمی
درخ
شند

انگشتانت در دستهای من می‌گسترانند
برگ گل‌های سرخ بهار را
تو را به شکل گل به من رمز می‌زنند
از درون دیوارهایی که بین ما ایستاده‌اند
اطراف ما ایستاده‌اند

خواهر!
ستاره‌ها
درخشان
بگو
به من بگو از واژه‌های وقتی ستاره‌ها نمی‌درخشند

2

اندام يك زن در زندان
اندام همان زن است
در دریاچه یخ زده آب‌های تلخ

دیوارها ایستاده‌اند ایستاده‌اند
یخ ایستاده ایستاده
جنینده‌ای نیست

بگذار بیرمت بیرون
موهای را، چشم‌های را و شانه‌های یخ زده‌ات را گرم کنم
و گلوله‌های برفی پستان‌هایت را
و مشت یخ زده قلبت را
بگذار تو را بیرم روی شن‌ها
روی گرمای خورشید
بگذار تولد دوباره تو را از یخ تماشا کنم
بگذار بینمت که راه می‌روی، حرف می‌زنی

خواهر!
درخشان
ستاره‌ها
بگو
به من بگو از واژه‌های وقتی ستاره‌ها نمی‌درخشند

۳

تیرگی بوی زنده خود را دارد
که برای زنی چون نهال جوانی در تاریکی ایستاده
آفریده نشده در

ناخن‌های انگشت پاهایت ریشه‌های منند
نگهبانان کورند
با کشیدن ناخن‌ها مرا می‌خشکانند

از خلال هوا به سوی جهان شنا کن
ذره‌های هوا در نور می‌درخشند
مثل یاخته‌های جوان سبب
هر هسته‌ای به اراده خود منفجر می‌شود
به شکل پایانی پستانی زانه، دایره‌ای

خواهرا!
درخشان
ستاره‌ها
بگو

زیرنویس عکس:
فرهنگ جلالی
جمیله حسن
فرهنگ جلالی و جمیله حسن
دکتر براهنی و جمیله حسن
پروفسور پیترا دبارا
پروفسور دبارا و دکتر براهنی